



▪ مقاله کاری شماره (۱۱) / پائیز ۱۳۹۱

▪ پولی کردن کسری بودجه از منظر اقتصاد اسلامی: گزارش ششمین جلسه نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی

▪ حسین میسمی*

▪ کلمات کلیدی: ربا، مالیه تورمی، پولی کردن کسری بودجه، دولت اسلامی، بانکداری و مالی اسلامی.

▪ طبقه‌بندی JEL: O16, O10, L87.

* کارشناس ارشد پژوهشی، گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع).



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، روبروی پارکینگ بیهقی، پلاک ۱۰

کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱۱ صندوق پستی: ۷۹۴۹-۱۵۸۷۵

www.mbri.ac.ir

- دیدگاه و نظرات ارائه شده در این مقاله متعلق به نویسندگان بوده و لزوماً نظر پژوهشکده پولی و بانکی را منعکس نمی‌کند.
- کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده پولی و بانکی می‌باشد، لیکن استفاده از نتایج این مقاله با ذکر منبع بلامانع است.



فهرست مطالب

۴.....	الف. مقدمه.....
۵.....	ب. خلاصه مقاله.....
۱۵.....	ج. نقاط قوت.....
۱۵.....	د. نقاط ضعف کلی و ساختاری.....
۱۹.....	ه- نقاط ضعف جزئی و موردی.....
۲۲.....	و- منابع و مآخذ.....



الف. مقدمه

پس از برگزاری پنج نشست از سلسله جلسات نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی، گروه بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی و بانکی اقدام به برگزاری ششمین جلسه در تاریخ هشتم آذر ماه ۱۳۹۱ نمود. هدف از برگزاری این جلسه ایجاد تضارب آراء میان محققان در رابطه با دیدگاه اقتصاد اسلامی در رابطه با موضوع تورم و تامین مالی کسری بودجه دولت از طریق چاپ پول می‌باشد. در این راستا، پس از بررسی در بین مقالات و کتب چاپ شده در حوزه بانکداری و مالی اسلامی در رابطه با موضوع، مقاله آقای حجه‌الاسلام دکتر محمد اسماعیل توسلی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی) عیوضلو با عنوان: «محدودیت‌ها و مسؤولیت‌های دولت اسلامی در پولی کردن کسر بودجه» که در سال ۱۳۸۳ در شماره ۱۴ نشریه اقتصاد اسلامی به چاپ رسیده است، به عنوان یکی از مقالات اصیل و مبنایی در این حوزه انتخاب شد. پس از انتخاب مقاله، متن آن بر روی سایت پژوهشکده قرار گرفت و پوستر جلسه به دانشگاه‌ها، مؤسسات گوناگون آموزشی و پژوهشی و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ارسال گردید و از محققان خواسته شد تا این مقاله را در معرض نقدهای مکتوب خود قرار دهند. پس از جمع‌آوری تمامی نقدها در بازه زمانی تعیین‌شده، تمامی آنها در معرض داوری، دسته‌بندی و اولویت‌بندی قرار گرفت. در مرحله بعد، نقدهای تکراری حذف گردید و کلیه نقدها نیز در سه دسته زیر تقسیم‌بندی شد:

الف. نقاط قوت (۵ مورد)

ب. نقاط ضعف اصلی و مبنایی (۱۰ مورد)

ج. نقاط ضعف فرعی و حاشیه‌ای (۱۰ مورد)



تمامی نقدها قبل از جلسه در اختیار نویسنده محترم مقاله قرار گرفت و پس از آن جلسه با حضور اساتید، پژوهشگران و برخی کارشناسان بانکی برگزار گردید. با توجه به محدودیت‌های زمانی، تنها امکان پاسخگویی به نقدهای اصیل و مبنایی (گروه ب) برای نویسنده فراهم شد و از نقدهای فرعی و حاشیه‌ای (گروه ج) صرف‌نظر گردید. در ادامه ابتدا خلاصه مقاله ارائه می‌گردد. پس از آن نیز نقاط قوت مقاله مطرح شده و سپس نقاط ضعف اصلی و مبنایی همراه با پاسخ‌های نویسنده مطرح می‌شود. در نهایت نقاط ضعف فرعی و حاشیه‌ای طرح می‌شود. با توجه به جدید بودن بسیاری مباحث در اقتصاد و مالی اسلامی، نباید انتظار داشت که نقدها و پاسخ‌ها به طور کامل قانع‌کننده بوده و مباحث تمام شود، بلکه بسیاری از مباحث باز بوده و این خود زمینه تدوین تحقیقات آتی در حوزه‌های مختلف بانکداری اسلامی را فراهم می‌کند.

ب. خلاصه مقاله

برای تأمین مالی کسر بودجه دولت و از بین بردن شکاف بین درآمد و هزینه، روش‌های گوناگونی وجود دارد. به نظر می‌رسد کم‌هزینه‌ترین راه برای دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه، تأمین مالی کسری بودجه دولت از طریق چاپ پول است که اصطلاحاً «مالیه تورمی» و یا «پولی کردن کسری بودجه» نامیده می‌شود. در واقع منظور از مالیه تورمی آن است که دولت‌ها از قدرتی که در زمینه چاپ پول (به وسیله بانک مرکزی) در اختیار دارند، استفاده کرده و از این طریق کسری بودجه خود را با ایجاد تورم جبران کنند. تحقیق حاضر به روش تحلیلی-توصیفی به بررسی این مسئله از دیدگاهی اسلامی پرداخته و نشان می‌دهد که ایجاد تورم در جامعه به منظور تأمین کسری بودجه باعث توزیع ناعادلانه درآمد شده و وظایف واحد محاسبه و حافظ ارزش بودن پول را مخدوش می‌سازد. از طرفی با توجه به اینکه دولت اسلامی مجری عدالت در جامعه است، نباید اقدامی انجام دهد



که منجر به ایجاد بی عدالتی در جامعه گردد. مخدوش کردن معیارهای ارزش (که پول یکی از مهمترین آنهاست) نیز از جمله اعمالی است که منابع اسلامی به شدت انجام آن را نفی نموده‌اند. به هر حال در شرایط خاصی که حفظ اصل نظام و یا رشد اقتصادی آن، ضرورت پولی کردن کسری بودجه را مطرح نماید، انجام اینکار دارای مجوز است، مشروط بر اینکه اولاً موقت باشد، ثانیاً تنها به اندازه مصلحت و نیاز انجام شود و در نهایت با سیاست‌های جبرانی مناسب همراه باشد تا از فشار بر طبقات پائین جلوگیری شود. در ذیل به برخی از مهم‌ترین نکات مطرح شده در این پژوهش اشاره می‌شود:

۱- سیاست کسری بودجه در کشورهای در حال توسعه، از ابزارهای مهم توسعه شمرده شده است؛ اما این که چگونه آن را تأمین مالی کنند تا سبب تورّم و آثار زیان بار ناشی از آن نشود، مسأله‌ای است که به‌طور جدی ذهن اقتصاددانان را به خود مشغول کرده است. آنان برای جلوگیری و کنترل دولت در استفاده بی‌اندازه از روش استقراض از بانک مرکزی و استفاده از حق انتشار پول که تورّم لجام گسیخته را در پی دارد، راهکارهایی اندیشیده‌اند. یکی از آن راهکارها مقید کردن دولت به رعایت اصل پابندی در حفظ ارزش پول و راهکار دیگر، به کارگیری سیاست هماهنگ پرداخت‌ها در حقوق و دستمزد (Indeaction) جهت تعدیل آثار تورّم و رفع نگرانی‌های ناشی از آن است.

۲- دولت‌ها برای مصون ماندن از عوارض استقراض، به یکی دیگر از منابع درآمدی که به راحتی در اختیارشان است، یعنی سیاست تورّم پولی پناه می‌برند؛ زیرا یکی از منابع درآمدی دولت‌ها قدرت ایجاد و نشر پول، تعیین مقدار پول در گردش و تنظیم و کنترل اعتبارهای بانکی است. هنگامی که درآمدهای حاصل از مالیات، عوارض، قروض و سایر منابع درآمدی، از هزینه‌های دولت کمتر باشد یا هزینه‌های دولت به جهت برنامه‌های



توسعه یا پذیرش وظایف بیش تر یا دیگر عوامل بر درآمدهایش فزونی یابد، پدیده کسری بودجه در اقتصاد نمایان می‌شود. در چنین موقعیتی، دولت‌ها برای تأمین مالی کسری بودجه به انتشار پول اضافی دست می‌یازند.

۳- برای تأمین مالی کسر بودجه و از بین بردن شکاف بین درآمد و هزینه، روش‌های گوناگونی وجود دارد که در مجموع به دو سیاست افزایش درآمدها و کاهش هزینه‌ها بر می‌گردد. افزایش درآمدها به ویژه در مورد ایران ممکن است از طریق افزایش صادرات نفت خام، افزایش صادرات غیرنفتی، افزایش مالیات‌ها و فروش طلا و ارز در بازار پول و سرمایه یا از طریق استقراض داخلی از نظام بانکی و انتشار اوراق مشارکت صورت گیرد. کاهش هزینه‌ها نیز ممکن است به دو صورت کاهش اعتبارهای جاری و کاهش اعتبارهای عمرانی صورت گیرد؛ اما در عمل، افزایش درآمدها از طریق افزایش صادرات نفت به سبب محدودیت ظرفیت‌های تولید و سهمیه بازار اوپک و افزایش صادرات غیرنفتی به جهت کم‌کشش بودن کالاهای صادراتی و عدم بازاریابی علمی و مسائل سیاسی و افزایش مالیات به دلیل عدم کارایی نظام اداری و مالیاتی، به اندازه‌ای نیست تا کسری بودجه را بپوشاند. از سیاست کاهش هزینه‌های جاری و عمرانی هم نمی‌شود استفاده کرد؛ زیرا در کشوری مثل ایران که اقتصاد دولتی، بخش عظیمی از اقتصاد را در دست دارد، کاهش هزینه جاری بر دامنه بیکاری می‌افزاید. کاهش هزینه‌های عمرانی نیز برای کشورهایی که در حال توسعه هستند؛ اصلاً ممکن نیست؛ چرا که این کشورها به طور معمول به سبب اجرای طرح‌های عمرانی برای توسعه کشور، به سیاست کسر بودجه متوسل می‌شوند؛ در نتیجه یگانه راه استفاده از سیاست قرضه از نوع استقراض از بانک مرکزی است که سرانجام به انتشار پول اضافی که در اصطلاح، به آن پولی شدن کسربودجه می‌گویند، می‌انجامد.

۴- بررسی‌های انجام شده درباره کسر بودجه ایران پس از انقلاب نشان می‌دهد، عملیات مالی دولت بر متغیر



حجم پول و نقدینگی تأثیر گذاشته و سرانجام با پولی شدن کسر بودجه به طور مستقیم در ایجاد تورم دخالت داشته است. طبیبیان و سوری (۱۳۷۶: ص ۲۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی متغیرهای کلان اقتصادی کشور» به این نتیجه رسیدند که به علت ساختار ویژه بودجه دولت در ایران، عملیات مالی دولت بر متغیر حجم پول و نقدینگی اثر گذاشته، به طور مستقیم زمینه‌های تورم را فراهم کرده است. این دو با بررسی ساختار بودجه ایران بیان می‌کنند که یکی از ویژگی‌های ساختار بودجه، با ثبات بودن نسبی روند رشد هزینه‌های دولت به قیمت ثابت است؛ یعنی پیوسته بودجه دولت به قیمت ثابت، دارای روند کاهشی بوده و در نتیجه تأمین درآمدهای بودجه از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی، یا از طریق تغییر نرخ تسعیر ریال تحقق یافته است. در این میان، درآمدهای مالیاتی سهم ناچیزی از درآمدهای دولت را تأمین کرده است. به عقیده این دو، یکی از ویژگی‌های نظام مالی کشور، ارتباط بودجه با متغیرهای پولی است؛ به این گونه که کسر بودجه‌ای که پیوسته به علل یاد شده رخ داده، به بانک مرکزی منتقل شده و به ایجاد پول جدید انجامیده است.

۵- در مورد تورم در ایران و علل آن به ویژه رابطه آن با افزایش حجم پول و نقدینگی، بررسی‌های فراوانی انجام شده است. بیش تر بررسی‌ها از پولی بودن تورم ایران نشان دارند و سایر عوامل از جمله عوامل مربوط به سمت عرضه یا فشار هزینه آثار کم‌تری بر افزایش سطح عمومی قیمت‌ها داشته است. دادخواه (۱۹۸۵) نشان داده است که یک درصد افزایش در عرضه پول، به ۰/۷ درصد افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها می‌انجامد. نیلی (۱۳۶۶) به این نتیجه رسیده که ۱۰ درصد افزایش نقدینگی سبب ۱۲ درصد افزایش در قیمت‌ها می‌شود. به اعتقاد نیلی، چون افزایش حجم پول به طور عمده از طریق ایجاد «پول بیرونی»، است، دارایی‌های بخش خصوصی از این طریق همواره در حال افزایش بوده، و طبیعی است که ضریب رشد نقدینگی بیش از یک باشد.



۶- همه با تورّم به معنای افزایش مستمر و شتابان سطح عمومی قیمت‌ها یا کاهش متوالی ارزش پول و آثار ناگوار و پیامدهای اقتصادی آن بر توزیع درآمد، پس‌انداز، مصرف، تولید و سرمایه‌گذاری، تخصیص منابع، تصمیم‌گیری اقتصادی، بودجه دولت و تراز پرداخت خارجی آشنا هستند. به عقیده جاکوب فرانکل (۱۳۸۲: ص ۵ و ۶) هزینه‌های ناشی از تورّم، کاملاً شناخته شده است. حتی اگر تورّم، کاملاً مورد انتظار هم باشد، باعث جایگزینی منابع واقعی به جای خدمات پولی خواهد شد. این جایگزینی پرهزینه است؛ زیرا منابع و زمان فراوانی از این مبادلات صرف می‌شود. از آن جا که در عمل، تورّم کاملاً انتظاری نیست، هزینه‌های اضافی ناشی از عدم اطمینان نیز باید به دیگر هزینه‌ها افزوده شود.

۷- یکی از ویژگی‌های بارز پدیده تورّم، عدم تناسب و ناهماهنگی تغییرات قیمت‌ها و درآمدها است به این ترتیب که قیمت برخی کالاها و درآمد برخی از طبقات و گروه‌ها، با آهنگی بسیار شدید افزایش می‌یابد؛ حال آن که قیمت دیگر کالاها و درآمد طبقات و قشرهای دیگر به کندی بالا می‌رود یا حتی ثابت می‌ماند. این عدم تناسب، سبب می‌شود که درآمد و ثروت حقیقی بعضی از طبقات و گروه‌ها به ضرر طبقات و گروه‌های دیگر از دارندگان درآمد ثابت مانند پس‌اندازکنندگان و کارمندان افزایش یابد. به عقیده فریدمن (۱۳۷۵: ص ۲۹) در این حالت که تورّم ناشی از تأمین مالی کسر بودجه از طریق پولی است، بار سنگین مخارج دولت بر دوش صاحبان درآمدهای ثابت و نیمه ثابت و بستانکاران و خریداران اوراق قرضه خواهد افتاد. افرادی که درآمدها در مقایسه با افزایش قیمت‌ها بالاتر افزایش می‌یابد نه تنها چیزی نمی‌پردازند، بلکه سودهای کلانی به جیب می‌زنند؛ افزون بر این که این نوع تورّم به وظایف پولی آسیب می‌رساند و پول دیگر به انجام وظایفش در جایگاه واحد محاسبه و ذخیره ارزش و پرداخت‌های آتی توانا نیست؛ از این رو، چنین سیاستی برای تأمین هزینه‌ها در مقایسه با مالیات



بسیار ناعادلانه است؛ به همین سبب بیش تر اندیشه وران اقتصادی و اقتصاددانان مسلمان با آن مخالفند و آن را غیرعادلانه می دانند.

۸- پرسش اساسی این است که آیا بر اساس آموزه های اسلام، دولت اسلامی می تواند سیاستی اتخاذ کند که قدرت خرید پول های مردم کاهش یابد، و اگر به سبب مصالح نظام، از سیاست پولی تورمزا استفاده کرد، نباید قدرت خرید قشرهای آسیب پذیر را به آن ها برگرداند؟ به عقیده نگارنده، سیاست های پولی تورمزا، آثار و لوازمی دارد که از آموزه های اسلام می توان استنباط کرد، شرع به این آثار ملتزم نیست و این معنا مستلزم محدودیت های دولت اسلامی در بهره گیری از این سیاست ها است.

۹- از آن جا که بشر، موجودی مدنی است، برای انجام معامله چاره ای نداشت جز این که معیار سنجشی برای اندازه گیری ارزش اموال خودش قرار بدهد. کالاهای مورد رغبت و نیاز انسان با این که در جنس، نوع، فصل و عوارض مختلفند، در یک چیز اشتراک دارند و آن این است که مورد رغبت و خواست انسان هستند و برای آن ها ارزش دارند، و خود ارزش هم درجات گوناگونی دارد. برای فهمیدن ارزش اشیا و کالاها (اموال) نزد اجتماع، لازم است یک کالای مورد رغبت انسان که میزان ارزش آن نزد همه معلوم است، ملاک و معیار سنجش دیگر ارزش ها قرار گیرد. از این جا بود که افراد بشر، طلا و نقره را در مراحل تکاملی پول، بهترین وسیله سنجش ارزش یافت. پس از آن که ارزش مقداری معین از طلا و نقره (واحد پول) و رابطه مبادله آن با تمام کالاهای دیگر نزد اجتماع مشخص شد، احساس و درک مشترکی برای همه افراد جامعه پدید می آید. با این درک مشترک، شخص می تواند همه اشیا دیگر را با آن معیار سنجیده، رغبت اجتماعی را درباره آن بیابد. او می تواند ارزش خانه را نزد اجتماع از ارزش اتومبیل در همان اجتماع تشخیص دهد و بدین وسیله به مبادله پردازد. این مقیاس سنجش گرچه



همانند دیگر مقیاس‌ها است، با آن‌ها فرق اساسی و مهم دارد، و آن این‌که ارزش این مقیاس متغیر است. اگر قرار باشد واحدهای مقادیر طبیعی مانند متر، لیتر و کیلوگرم هر سال تغییر کند، نابسامانی را در پی خواهد داشت؛ از این رو، خداوند در آیاتی از قرآن کریم به وفای وزن و کیل امر کرده و از نقصان در آنها نهی کرده است و در برخی از روایات، معصومان - علیهم الصلوٰه والسلام - از معامله با درهم مغشوشه بر حذر داشتند. اکنون به بررسی این آیات و روایات و میزان دلالت آن‌ها بر موضوع مخدوش شدن پول در جایگاه واحد محاسبه ارزش اموال مردم می‌پردازیم.

۱۰- از فراوانی این نواهی و تکرار داستان زندگی قوم شعیب و سرنوشت شوم آن‌ها به سبب کم‌فروشی در سوره‌های گوناگون قرآن و اختصاص یک سوره قرآن به نام کم‌فروشان (مطففین) و سرزنش آن‌ها از طرف خداوند و وعده عذاب سخت برای عمل ننگینشان، چنین استنباط می‌شود که حفظ امنیت اقتصادی و رعایت عدل و انصاف در معاملات مورد اهتمام شدید خداوند سبحان است؛ پس اگر بر هم زدن کیل و وزن، چنین سبب فساد و خیانت در زمین، و مستوجب عذاب سخت در دنیا و آخرت می‌شود، چرا تخلف در عیار و برابری واحد پول که معیار و مقیاس سنجش تمام ارزش‌های اقتصادی است باعث فساد و مستوجب عذاب الهی نشود؛ بلکه این تقلب و تخلف مفاصدی شاید به مراتب بیش‌تر از تقلب و تخلف در مقیاس کیل و وزن داشته باشد.

۱۱- هرگاه متناسب با رشد درآمد ملی حقیقی، دولت که حق انتشار پول دارد، پول اضافی منتشر کند، ارزش پول تغییری نمی‌کند؛ اما اگر بر اثر بحران‌هایی همچون جنگ و خشکسالی تولید ملی کاهش یابد، و در نتیجه، عرضه پول در مقایسه با نیاز پولی فزونی داشته باشد، مالیت و ارزش پول کاهش می‌یابد. این کاهش مالیت



در اصطلاح «نقص در مالیت» است و بر اساس قواعد و اصول فقهی برای دولت، حکمی و تعهدی در پی ندارد؛ اما در صورتی که بدون افزایشی در تولید ملی واقعی، بخواهد پول جدید منتشر، و اسناد بدهی جدیدی وارد بازار کند، مفهومی این است که برابری واحد پول را از بین برده و اصل پایداری را زیر پا گذاشته است؛** پس اگر دوبرابر حجم پول موجود، پول جدید منتشر کند، معنایش این است که واحد پول مثلاً ریال در برابر نصف آن مقدار تعریف شده در قانون قرار گرفته است؛ چه آن را در قانون بیاورد یا نیاورد. ماهیت عمل عین کاهش عیار در مسکوکات فلزی بدون فرق است. این عمل مصداق عنوان فقهی «نقص در مال» است و مشمول نهی آیات ذکر شده قرار می‌گیرد.

۱۲- وظیفه یا نقش دیگر پول این است که به صورت مالی برای ذخیره ارزش استفاده شود؛ زیرا بیش تر افراد نمی‌خواهند درآمد خود را بی‌درنگ خرج کنند؛ بلکه دلشان می‌خواهد زمانی که به خرید گرایش می‌یابند، آن‌ها را خرج کنند. پول در جایگاه منبع ذخیره ارزش باعث می‌شود قدرت خرید تا زمانی که پول به مصرف نرسیده باشد، حفظ شود. این ویژگی به پول منحصر نیست؛ بلکه دارایی‌های دیگری مانند زمین، خانه، جواهر آلات و سهام نیز دارای این ویژگی هستند؛ ولی پول به سبب قدرت نقد شوندگی بسیار بالایی که دارد، بر دیگر اموال و دارایی‌ها ترجیح داده می‌شود؛ اما مشکل این جا است که ارزش پول در جایگاه «مالی برای ذخیره ارزش»، هنگام وجود تورّم به سرعت دستخوش تغییرات شده کاهش می‌یابد؛ در نتیجه اشخاصی که ثروتشان را به صورت پولی نگه می‌دارند، به شدّت متضرّر می‌شوند. در حالی که در آیاتی از قرآن کریم که ذکر شد از بی‌ارزش کردن ظالمانه اموال مردم نهی شده است .



۱۳- با این تفصیل در می‌یابیم که حفظ امنیت اقتصادی، مورد اهتمام شارع مقدس، و عقل سلیم و فطرت پاک انسانی هم گواه بر این مطلب است؛ از این رو، برای حفظ امنیت اقتصادی، خداوند متعالی از عوامل بر هم زنده آن نهی کرده است. ابتدا از کم‌فروشی که مورد ابتلای عصر شعیب؟ بوده، نهی فرموده؛ آن‌گاه با یک نهی عمومی هرگونه نقصان ارزشی را ممنوع کرده‌اند: «و لا تبخسوا الناس اشیاءهم». اشیا در این جا به معنای اموال است؛ یعنی از اموال مردم چیزی نکاهید. در این آیات از هر چه سبب از ارزش انداختن ظالمانه اموال مردم می‌شود، نهی شده است. از جمله چیزهایی که مال شمرده می‌شود، «پول» است؛ بلکه بخش قابل توجهی از اموال مردم به صورت پول است.

۱۴- حفظ نظام و حاکمیت سیاسی اسلامی از مهم‌ترین هدف‌هایی است که حاکم اسلامی در تمام سیاست‌هایش تعقیب می‌کند. اهداف دیگر اقتصاد اسلامی، همچون رفع فقر، ایجاد رفاه عمومی و رشد و... باید در چارچوب اهداف مهم‌تر مانند حاکمیت سیاسی اسلام، تحکیم ارزش‌های اخلاقی و ایجاد عدالت اجتماعی در نظر گرفته شوند؛ یعنی در صورتی آن اهداف باید تعقیب شوند که به حاکمیت سیاسی اسلام و مانند آن لطمه وارد نشود.

۱۵- در مقام مقایسه بین این اهداف عالی، حاکمیت سیاسی اسلام از همه بالاتر است؛ به گونه‌ای که در صورت ضرورت حتی باید عدالت اجتماعی را فدا کرد تا مسلمانان زیر سلطه بیگانگان نروند؛ زیرا با از بین رفتن حاکمیت سیاسی اسلام، هیچ یک از اهداف دیگر به خوبی تحقق نخواهد یافت؛ ولی با بقای حاکمیت، زمینه تحقق شایسته اهداف مربوط نیز فراهم می‌شود؛ پس هنگامی که حاکمیت سیاسی اسلام به خطر می‌افتد، لازم



است است با تمام قوا و با جان و مال برای حفظ آن قیام کنیم؛ زیرا خداوند به جهاد با مال و جان دستور داده است.

۱۶- در این وضعیت اگر حاکم اسلام نتواند از راه‌های معمول و در فرصت کم، برای حفظ نظام، تأمین مالی کند می‌تواند طبق مصلحت نظام به استقراض از بانک مرکزی به هر نحو که صلاح می‌داند اقدام کند. همان‌گونه که روشن است، این کار در جامعه تورّم و گاه تورّم‌های بسیار شدید پدید می‌آورد، که از آن به مالیات پنهان تعبیر می‌کنند؛ اما از آن جا که ولیّ امر مسلمانان حق دارد برای اداره جامعه مالیات وضع کند می‌تواند این نوع سیاست را نیز اتخاذ کند.

۱۷- لازم است به این نکته اشاره شود که هرگاه برای رسیدن به رشد به کسر بودجه متوسّل شویم و برای تأمین آن به استقراض از بانک مرکزی رو بیاوریم یا از حق انتشار پول بی‌اندازه استفاده کنیم، گرچه برای ترمیم حقوق‌ها و دستمزدها روش سیاست هماهنگی پرداخت‌ها به کار رود، این سیاست آثار و لوازمی به دنبال دارد که شرع به آن آثار و لوازم ملتزم نیست. نتیجه این سیاست تورّم، و کاهش ارزش پول بوده، سبب توزیع ناعادلانه درآمد و تمرکز ثروت در دست عدّه معدودی از افراد جامعه می‌شود. این امر، شدید شدن فاصله طبقاتی در جامعه را در پی دارد؛ حال آن که سیاست‌های اقتصادی حاکم اسلامی باید در جهت تعدیل و توازن ثروت باشد، نه تمرکز ثروت و طبقاتی شدن جامعه.



ج. نقاط قوت

- ۱- پرداختن به موضوعی کاربردی یعنی تورم یکی از نقاط قوت این پژوهش است. اهمیت تحلیل این موضوع از منظری اسلامی زمانی بیشتر خود را نمایان می‌سازد که توجه شود، اقتصاد ایران برای مدت طولانی از پدیده تورم رنج برده و می‌برد.
- ۲- نویسنده قبل از ورود در مباحث اسلامی، تلاش کرده است موضوع‌شناسی کافی در رابطه با پولی شدن کسری بودجه، چگونگی انجام آن و آثار و عوارضی که دارد، انجام دهد. مسلماً درک صحیح موضوع، در استخراج دیدگاه اسلامی کمک می‌نماید.
- ۳- نویسنده موضوع تورم را علاوه بر احکام اولیه، از منظر احکام ثانویه و حکومتی نیز مورد تحلیل قرار داده و ضوابط موجود را برجسته نموده است.
- ۴- نویسنده در تحلیل‌های خود به میزان مناسبی از آیات قرآن و همچنین روایات معتبر، بهره گرفته است که این خود تلاشی قابل تقدیر می‌باشد.
- ۵- نویسنده موضوع اثرگذاری سیاست‌های پولی و مالی دولت در ایجاد تورم در اقتصاد ایران را با استناد به سایر پژوهش‌ها و تحقیقات مطرح نموده‌اند و تنها به ارائه ادعای صرف اکتفا نکرده است.

د. نقاط ضعف کلی و ساختاری

- ۱- به نظر می‌رسد مسئله مالیه تورمی و شیوه انجام آن به خوبی تبیین نشده است. مناسب بود نویسنده از طریق بیان اجزاء پایه پولی به تبیین موضوع می‌پرداخت. بر اساس ترازنامه بانک مرکزی (در ستون منابع)، اجزاء پایه پولی عبارت‌اند از: خالص بدهی دولت به بانک مرکزی، خالص دارایی‌های خارجی و ذخایر طلا، خالص



بدهی بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی و خالص سایر دارائی‌ها و بدهی‌ها و حساب سرمایه بانک مرکزی. هر چند تمامی اجزای مورد اشاره در افزایش پایه پولی اثر دارند، اما آنچه در این تحقیق مورد بحث می‌باشد، تنها جزء اول پایه پولی، یعنی خالص بدهی دولت به بانک مرکزی می‌باشد. مناسب بود جهت تبیین بهتر موضوع به این مسئله اشاره می‌گردید.

۲- اجرای سیاست ترمیم دستمزدها ممکن است منجر به نقض غرض گردد. چرا که دولت ابتدائاً به دلیل آنکه مخارجش بیش از درآمدهایش بوده است، کسری بودجه ایجاد نموده است. در ادامه برای تامین این کسری از بانک مرکزی قرض نموده و با ایجاد تورم، کسری خود را جبران می‌نماید. حال اگر بخواهد مجدداً با افزایش حقوق و دستمزد کارمندان دولت، برای خود خرج جدیدی بتراشد، در سیکل معیوب افزایش دستمزد-تورم وارد خواهد شد. به عبارت دیگر، افزایش دستمزدها خود می‌تواند منجر به ایجاد تورم گردد.

۳- نویسنده به روش‌های تامین مالی حکومت اسلامی که در فقه ذکر شده است هیچ اشاره‌ای نمی‌نماید. مالیات‌های اسلامی مانند خمس و زکات و همچنین منابع دیگری که در اختیار دولت اسلامی است، مانند انفال، می‌توانند منابع مهم درآمدی برای دولت اسلامی باشند. اگر بر این منابع تاکید گردد، دیگر هرگز نوبت به تامین مالی دولت اسلامی از طریق چاپ پول نخواهد رسید. یادآور می‌شود استفاده از اصل ضرورت در توجیه مشروعیت تامین مالی از طریق تورم تنها و تنها مخصوص شرایطی است که هیچ راه دیگری برای تامین مالی دولت اسلامی وجود نداشته باشد؛ در حالی که روش‌های مختلف و بهتری برای این کار وجود دارند. در این رابطه عسگری (۱۳۸۱) به مقایسه زکات به عنوان مالیاتی اسلامی و مالیه تورمی پرداخته و نشان می‌دهد که زکات



فاقد آثار مخرب مالیه تورمی بوده و در مقابل ویژگی‌های خاصی نیز دارد که امکان استفاده از آن در نظام مالیاتی را فراهم می‌آورد.

۴- نویسنده در صفحه ده مقاله، بین «تورم منجر به نقص در مال» و «تورم منجر به نقص در مالیت» تفکیک قائل شده و ظاهراً معتقد است تورم نوع اول مرتبط با تغییرات اقتصادی نبوده و لذا دولت اسلامی نسبت به جبران آن متعهد است. اما تورم نوع دوم، در اثر تغییر در شرایط اقتصادی به وجود آمده و دولت اسلامی نسبت به جبران آن وظیفه‌ای ندارد. اما در این زمینه می‌توان گفت که اولاً اینکه نقص در مالیت به لحاظ فقهی نیاز به جبران ندارد، نیازمند اثبات است و ثانیاً، می‌توان شرایطی را تصور کرد که هر چند دولت به صورت مستقیم چاپ پول انجام نداده است، اما سیاست‌های پولی و مالی را به نحوی تنظیم نموده که ثمره آن کاهش تولید ملی و ایجاد تورم شده است. حال سوال آن است که آیا دولت در این شرایط، که به صورت غیرمستقیم در ایجاد تورم نقش داشته است، مقصّر نیست و نباید آن را جبران نماید؟

۵- با توجه به اینکه تورم به صورت نامساوی و نامشخص اموال افراد را دستخوش خسران می‌کند، چگونه میتوان این میزان خسران و افراد خسران دیده را برای جبران شناسایی نمود؟ در مثال تخریب خانه‌ها جهت بسط جاده و خیابانها، مالکین مشخص هستند و جواز به تخریب به شرط جبران خسران مالکین داده شده است. اما در تورم، فرد خسران دیده و میزان خسارت وی اصلاً معلوم و معین نیست. پس جبران وی نیز دقیق و کامل نخواهد بود. در این شرایط باز می‌توان حکم به استفاده از مالیات تورمی به شرط لزوم جبران آن آورد؟

۶- اجرای سیاست ترمیم دستمزدها نمی‌تواند به طور کامل جبران ضررهای وارد شده بر مردم از ناحیه تورم را بنماید. چرا که اولاً تورم مالیاتی عمومی و پنهان است که بر دوش تک تک افراد جامعه قرار می‌گیرد؛ چه آن‌ها



که حقوق‌بگیر دولت‌اند و چه آن‌ها که در بخش خصوصی به فعالیت مشغول‌اند. اما اجرای سیاست ترمیم دستمزدها توسط دولت، فقط شامل کارمندان دولت خواهد شد و دلیلی ندارد که بخش خصوصی نیز چنین سیاستی را اجرا نماید.

۷- نویسنده در صفحه ۱۲ طوری بحث کرده‌اند که گویا حفظ حاکمیت سیاسی اسلام بر عدالت اجتماعی مقدم است. در حالی که به نظر می‌رسد لازم است بین تقدم ارزشی و تقدم رتبی تفاوت قائل شد. به این معنا که اساساً هدف از حاکمیت سیاسی اسلام، اجرای عدالت اجتماعی است. بنابراین، مناسب‌تر آن است که گفته شود که عدالت اجتماعی تقدم ارزشی و تاخر رتبی نسبت به حفظ حاکمیت سیاسی اسلام دارد.

۸- نویسنده در صفحه ۱۴ بیان نموده‌اند که علاوه بر حفظ اصل نظام، دستیابی جامعه اسلامی به رشد اقتصادی نیز خود به عنوان یک ضرورت می‌تواند مبنایی برای مجاز بودن ایجاد تورم جهت جبران کسری بودجه باشد. اما به نظر می‌رسد مقوله دستیابی به رشد اقتصادی، بسیار متفاوت از مسئله حفظ اصل نظام است. به عبارت دیگر، حفظ اصل نظام آن قدر مهم می‌باشد که شاید بتوان به خاطر آن از برخی احکام اولیه تخطی کرد، اما دستیابی به رشد اقتصادی به هیچ‌وجه دارای چنین اهمیتی نیست. در مجموع تحلیل‌های ارائه شده در بخش «مسئولیت رشد اقتصادی نظام» ضعیف است.

۹- نویسنده در صفحه ۱۵ بیان می‌دارد که: «هر گاه دولت برای رسیدن به رشد اقتصادی، به استقراض از بانک مرکزی رو بیاورد (هر چند برای ترمیم دستمزدها، سیاست هماهنگ پرداخت به کار رود)، این سیاست آثار و لوازمی دارد که شرع به آن‌ها ملتزم نیست (مورد تأیید شارع نیست)». به نظر می‌رسد این ادعا، با مطالبی که قبلاً در رابطه با مجاز بودن ایجاد تورم جهت دستیابی به رشد اقتصادی مطرح شد در تعارض است.



۱۰- نویسنده بحث رشد اقتصادی را بسیار کلی مطرح نموده است. مثلاً بیان نکرده‌اند که چه میزان رشد اقتصادی را می‌توان در قلمرو مصلحت ضرور دانست و چه مقدار را غیر ضرور. علاوه بر این، خود نویسنده نیز اذعان می‌نماید که دست‌یابی به رشد اقتصادی از طریق ایجاد تورم شیوه مناسبی نیست و حتی برخی از مکاتب اقتصادی تأکید نموده‌اند که تورم با افزایش هزینه و ریسک سرمایه‌گذاری، بر تولید تأثیر منفی دارد. مناسب بود به این مباحث تأکید بیشتری می‌گردید.

ه- نقاط ضعف جزئی و موردی

- ۱- بخش ادبیات تحقیق در مقاله موجود نیست؛ در حالی که مناسب بود ادبیات تحقیق به صورت مستقل دیده شود.
- ۲- در مورد روش تحقیق در این پژوهش مطلبی عنوان نشده است. مناسب بود در انتهای مقدمه به این موضوع نیز اشاره می‌شد.
- ۳- عنوان‌بندی‌های مقاله دارای ضعف‌هایی می‌باشد. به عنوان مثال، عنوان انتخاب شده برای بخش دوم یعنی، دولت اسلامی و محدودیت‌های آن با مباحث مطرح شده در این بخش سازگاری زیادی ندارد.
- ۴- نویسنده مسئله ذخیره ارزش بودن پول را به راحتی پذیرفته و به دیدگاه‌های برخی از اقتصاددانان مسلمان که آن را مورد نقد قرار داده‌اند توجهی ننموده است. مناسب بود به این دسته از دیدگاه‌ها نیز اشاره می‌شود. به عنوان نمونه توتونچیان (۱۳۷۹) به طور مبسوط تلاش می‌کند تا نشان دهد در چارچوب اسلامی امکان پذیرش نقش ذخیره ارزش بودن پول وجود ندارد.



۵- نویسنده در صفحه ۱۳ مصلحت را به سه دسته ضرور، حاجی و تحسینی تقسیم می‌نماید. در این رابطه لازم به موارد مطرح شده در این قسمت در اصول فقه اهل سنت برجسته می‌باشد در حالی که در اصول فقه شیعه (در چارچوب احکام اولیه) خیلی جایگاه ندارد. یادآور می‌شود مواردی مانند مصلحت‌سنجی، قیاس و غیره در اصول فقه شیعه مورد تأیید و استفاده نمی‌باشد.

۶- یکی از ویژگی‌هایی که در اکثر مالیات‌های منصوص اسلامی وجود دارد، مسئله بخشش حداقل معیشت از پرداخت مالیات است. به عنوان نمونه وضع خمس بر مازاد مؤنه (مخارج سالیانه فرد پرداخت کننده و افراد تحت تکلفش) و یا وجود نصاب در زکات، همگی نشان دهنده این واقعیت است که حداقل معیشت در اسلام مشمول مالیات نیست. اما این ویژگی مالیات‌های اسلامی در رابطه با مالیه تورمی برقرار نمی‌باشد. چرا که تورم پدیده‌ای است که بر کلیه درآمدهای نقدی خسارت وارد آورده و ارزش واقعی آن‌ها را می‌کاهد و در این زمینه تفاوتی بین درآمد مرتبط با سطح حداقل معیشت و سایر درآمدها وجود ندارد. مناسب بود نویسنده به این مسئله، به عنوان یکی از مضرات مالیه تورمی، اشاره می‌نمود.

۷- ویژگی دیگر مالیات‌های اسلامی عدم وضع آن‌ها بر فقراست. بدین معنی که فقرا در زمره دریافت‌کنندگان مالیات‌های اسلامی هستند و نه پرداخت‌کنندگان آن‌ها. این در حالی است که در روش تامین مالی دولت با استفاده از ایجاد تورم، تفاوتی بین فقیر و غنی وجود نداشته و هر دو از این پدیده متضرر می‌شوند. البته مالیات‌های اسلامی ویژگی‌های دیگری نیز مانند صراحت و شفافیت، وجود نیت در پرداخت‌کنندگان و غیره را نیز دارا می‌باشند که مالیه تورمی فاقد هر یک از آن‌ها می‌باشد. مناسب بود نویسنده به این مسئله نیز، به عنوان یکی دیگر از مضرات مالیه تورمی، اشاره می‌نمود.



۸- در ص ۱۴ اذعان شده که عدالت اسلامی حکم می‌کند از درآمدهای بالا مالیات کافی گرفته شده و خسارت تورمی وارده بر درآمد پایینی‌ها جبران شود. ملاک این عدالت چیست؟ چرا کسی که بیشتر تلاش کرده و درآمد بیشتری دارد باید جبران سیاستهای تورمی دولت را بکند؟ این جریمه افراد پرتلاش نیست؟ آیا منظور همان اخذ خمس و زکات است؟

۹- مابین رشد اقتصادی و عدالت اقتصادی، مصلحت عمومی با کدام طرف است؟ آیا در شرایطی که وضعیت اضطراری تامین کسری بودجه دولت وجود ندارد، می‌توان به منظور رشد بیشتر اقتصادی با استفاده از مالیات تورمی، در تحقق عدالت اقتصادی که مایه قوام نظام اجتماعی است، خللی وارد نمود؟ به بیان دیگر، آیا برای پیشرفت و سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی، می‌توان از عدالت اقتصادی چشم‌پوشی کرد؟

۱۰- فرض مال بودن پول قابل خدشه است، اما بحث و استدلال کافی در رابطه با آن ارائه نشده است.



و- منابع و مآخذ

- ۱- توتونچیان، ایرج. (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری. تهران: توانگران.
- ۲- عسگری، محمد مهدی. (۱۳۸۴). تحلیل نظری زکات، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳- عسگری، محمد مهدی. (۱۳۸۱). مقایسه تحلیلی آثار زکات و مالیه تورمی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- ۴- موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۹). البیع، بی‌جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۵- ندری، کامران. (۱۳۸۱). تحلیل مفهوم بهره طبیعی و سهمیه‌بندی اعتباری. پایان‌نامه دکتری اقتصاد، به راهنمایی اسدالله فرزین‌وش، دانشگاه امام صادق (ع).